

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چوکشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

سیاسی	Political
-------	-----------

میر عبدالرحیم عزیز
7/16/2008

کشمکش امپریالیستی در افغانستان

اختلافات ذات الیبنی ناتو و امریکا مبین دو شیوه امپریالیستی است که از مدتی بدینسو گریبانگیر نیروهای اشغالی در افغانستان گردیده است. خواهی نخواهی طرز دید و کار و سلیقه در بهره داری از کشور اشغالی و استفاده از مزدوران داخلی هر یک از قوای اشغالی فرق میکند و کشمکش ها در نهایت آشکار میگردد. این تضاد ها بدین معنی نیست که روش قوای مشترک و چند کشوری ناتو بر قوای اشغالی امریکا برتری دارد و یا اینکه یکی نسبت بر دیگر انسانی ترند، بلکه منافع کشور های عضو ناتو در بعضی موارد متفاوت از منافع امریکاست. تاریخ سیاسی و اقتصادی جهان ثابت ساخته است که در جریان توسعه طلبی استعماری، برخورد منافع میان قوای استعماری بدون تردید ظهور میکند و تضاد های عمیق میان متجاوزین بر سر تقسیم غنایم پدید می آید. درین مضمون، نظر و شیوه کار ناتو و امریکا را در کارزار افغانستان مورد ارزیابی قرار داده و علل اختلاف نظر را از نزدیک تجزیه و تحلیل می نمایم.

مشکل ناتو و امریکا در کنفرانس سران ناتو در ریگا پایتخت لیوانیا در اول دسامبر سال ۲۰۰۶ آغاز شد. در ریگا اختلاف نظر در مورد انکشاف ناتو بین امریکا از یکسو و فرانسه، جرمنی، ایتالیه و هسپانیه از سوی دیگر ظهور نمود. امریکا میخواست و میخواهد که ناتو وسعت بیشتری یافته و هویت آن از یک پیمان بین القاره ای به یک اتحادیه نظامی جهانی تغیر یابد و دروازه ای این پیمان تجاوز کار بروی جاپان، اوکراین، جورجیا، کوریای جنوبی، اسرائیل و افریقای جنوبی باز گردد تا امریکا بتواند از عساکر این کشور ها در عملیات نظامی جهانی خود استفاده نماید. در صورت عملی شدن طرح امریکا، ناتو کلاً یک اله دست امریکا در صحنه سیاست جهانی خواهد شد. افغانستان هم در کنفرانس ریگا مطرح بحث قرار گرفت و هر دو جناح نقاط نظر مختلفی اظهار نمودند.

کشور های اروپائی عضو پیمان ناتو هم آرزوی توسعه ناتو را دارند، اما نه منحصراً ذخیره برای پشتیبانی قوای امریکا. با ختم دوره ژاک ژیراک و انتخاب سارکوزی رئیس جمهور فرانسه، یکی از مخالفین جدی امریکا در ناتو از صحنه سیاسی کنار رفت. چنانچه در اجلاس بخارست در اپریل سال ۲۰۰۸، توافقات عمومی به ارتباط توسعه ناتو بین امریکا و اعضای اروپائی ناتو بدست آمد. نشست بخارست در حقیقت یک نوع پیروزی برای امریکا بود. فرانسه تعهد نمود که عساکر بیشتر به افغانستان خود بفرستد، اما اختلافات در طرز کار ناتو در افغانستان همچنان باقی مانده است.

امریکا متوقع است که اعضای اروپائی ناتو بیشتر مسئولیت جنگی را در افغانستان به عهده گیرند. لاکن اعضای ناتو بیشتر به اعمار مجدد و فعالیت های غیر جنگی پافشاری میکنند. اعضای اروپائی ناتو آرزو

ندارند که در مسایل نظامی تابع تصامیم امریکا باشند، بلکه میخواهند که مستقل عمل نمایند. این شیوه زیاد مورد پسند امریکا نیست. امریکا صرف میخواد که در افغانستان کاملاً یکه تاز بوده و دیگران دنباله رو او باشند. برای بعضی کشور های اروپائی چنین رابطه غلام و بادار قابل قبول نیست و از همین جاست که اصطکاک بین اعضای اروپائی ناتو و امریکا خلق شده است. بعضی کشور های اروپائی ناتو نه روی احساس بشر خواهی، بلکه بر مبنای محاسبه دقیق سیاسی و ستراتیژیک شان در افغانستان عمل می کنند. اعضای اروپائی ناتو معتقد اند که تنها راه نظامی نمیتواند مخالفین حکومت مستعمراتی کابل را از صحنه سیاسی و نظامی بدر کند و بایست راه های غیر نظامی هم سراغ گردد. در حالیکه امریکا نه تنها با چنین نظر موافق نیست، بلکه بر اشتراک بیشتر ناتو در فعالیت های نظامی هم تاکید میورزد. برای امریکا موفقیت نوع امریکائی در افغانستان تقدم اولی دارد. اعضای اروپائی ناتو پالیسی متفاوتی را در افغانستان تعقیب نموده زیرا برای اعضای اروپائی ناتو دنباله روی بیش از حد امریکا در افغانستان موقف آنها را نه تنها در جهان اسلام بلکه در داخل همان کشور ها صدمه میزند و احزاب بر سر اقتدار خود را در خطر باخت انتخاباتی می بینند. در حال کنونی قوای امریکا، برتانیه، کانادا و هالند در برخورد های نظامی در جنوب افغانستان فعال اند و سایر اعضای ناتو از فعالیت های جنگی شانه خالی میکنند. البته که فعالیت های غیر نظامی اعضای اروپائی ناتو صرف روی روحیه انساندوستی استوار نیست، بلکه از خود محاسبه دقیق سیاسی، نظامی و اقتصادی دارند. منافع ملی و ستراتیژیک اعضای ناتو بر امنیت، صلح و پیشرفت افغانستان سبقت بسته و در نهایت این کشور ها حاضر نخواهند بود که خون خود را بیهوده در يك سرزمین بیگانه بریزند که مفادی از آن متصور نیست. این کشور ها میدانند که این جنگ امریکاست و آرزو ندارند که در لجنزاری فرو بروند که فرصت برآمدن از آن به آسانی میسر نخواهد شد. دو طرز دید و خط مش در عمل و نظر اعضای اروپائی ناتو و امریکا را در رویارویی قرار داده است.

اداره بوش از عدم پیروی ناتو از امریکا اظهار نگرانی کرده است. طبق خبر گزاری بی بی سی مورخه ۲۴ می ۲۰۰۸، رابرت گیتس، وزیر دفاع امریکا "اخطار داد که آینده ناتو به ارتباط اختلاف نظر در افغانستان در خطر قرار دارد و شاید هم به يك ائتلاف دوگانه تغیر شکل دهد. بدون سهم گیری بیشتر در جنگ علیه شورشیان در افغانستان اراده مجادله از بین خواهد رفت." اعضای اروپائی ناتو مایل نیستند که عساکر خود را در نواحی جنوب و جنوب شرق افغانستان بفرستند و این خود يك شکاف را بین امریکا و ناتو خلق کرده است. بر حسب گزارش بی بی سی، رایس وزیر خارجه امریکا هم با جدیت اظهار داشت که "ائتلاف به يك آزمایش واقعی مواجه است. و این يك آزمایش توانائی و استحکام ائتلاف است. مردم بایست بدانند که این يك ماموریت حفظ صلح نیست، بلکه جنگ علیه عروج طالبان است." برون وزیر دفاع برتانیه هم خاطر نشان ساخت که "ما از ائتلاف قاطعیت میخواستیم تا مطمئن شویم که سهم گیری در مسئولیت منصفانه است." با وجود پیشینی های تاریک در روابط امریکا و ناتو در افغانستان، یاپ هوش شیفر، سرمنشی ناتو اظهار داشت که "همکاری ائتلاف رو به پیشرفت است."

اختلاف در طرز دید نه تنها بین ناتو و امریکا وجود دارد، بلکه بینش ملل متحد هم در بعضی جهات از امریکا متفاوت است. میدانیم که امریکا نفوذ قابل ملاحظه ای بر ملل متحد داشته که نسبت به دوران جنگ سرد به مراتب بیشتر شده است. همانطوریکه میان دستگاه های دولتی يك کشور که در نهایت منافع مشترک دارند در جریان کار اختلاف نظر پدید میاید، طرز روش متفاوت ملل متحد در نظر و یا احیاناً هم بعضاً در عمل نمایندگی از استقلال واقعی ملل متحد نمیکند، اما در حین وقت برای تحلیل گران مسایل سیاست جهانی میتواند قابل توجه باشد. YubaNet.com. بتاريخ ۳ اپریل ۲۰۰۸ گزارش داد که بان کین مون سرمنشی ملل متحد و کای ایدی نماینده ملل متحد در کابل اصرار میورزند که "بایست برای شکست طالبان و تداوم امنیت و استقرار يك تقرب همه جانبه و همکاری بهتر میان کشور های ذیدخل اتخاذ گردد." سرمنشی ملل متحد و نماینده ملل متحد در کابل تقاضا نمودند که "ناتو غرض مجادله موثر با شورشیان به حمایت غیر نظامی خود از دولت افغانستان افزوده و در راه اعمار مجدد و انکشاف کشور مساعی بیشتری بخرچ دهند." بدون تردید چنین تقرب و روش ملل متحد در افغانستان مورد پسند امریکا و متحدینش مانند برتانیه، کانادا و هالند نخواهد بود. امریکا بیشتر بر عملکرد نظامی ناتو تاکید میورزد و به فعالیت های سیاسی و انسانی ناتو و سفارش ملل متحد در مجادله با شورشیان علاقمندی نشان نمیدهد. ازین جاست که تضاد های بین ناتو/ ملل متحد و امریکا خلق میگردد، اما نه به نحویکه خواسته های استعماری کشور های ذیدخل را تحت شعاع خود قرار دهد.

درینجا نکات عمده اختلافات امریکا و ناتو را بر میشمایم و به آن روشنی می افکنیم:

۱. طرز دید و برداشت متفاوت نظامی و سیاسی ناتو و امریکا از جنگ علیه طالبان تصادم افکار و همکاری را بین این دو جناح سبب می‌گردد. امریکا هنوز هم تحت تاثیر حادثه تروریستی سپتامبر ۱۱ سال ۲۰۰۱ قرار دارد. امریکا هر چیز را در افغانستان سیاه و سفید می‌بیند. اعضای اروپائی ناتو از خود بیشتر انعطاف پذیری نشان می‌دهند.

۲. ناتو و ملل متحد پایان دادن به شورش را از راه تقویت دولت و توسعه و انکشاف اقتصادی سفارش میکند، در حالیکه امریکا تا اکنون صرف بر اقدامات نظامی علیه طالبان تاکید می‌ورزد.

۳. امریکا و برتانیه خود را در جنوب و جنوب شرق افغانستان متمرکز ساخته اند در حالیکه ناتو سعی می‌نماید که خود را از نواحی جنوب دور نگهداشته و در سایر نقاط کشور پهن نماید. کشور های اشغال کننده، افغانستان را به مناطق تحت نفوذ خود تقسیم کرده اند.

۴. امریکا تا حال برای موفقیت های خود بر کشمکش های قومی و استعمال يك قوم بر قوم دیگر پافشاری دارد. اعضای اروپائی ناتو کمتر درین روش امریکا شریک بوده و بعضاً حتی از آشتی قومی حمایت نموده و مخالف منزوی ساختن پشتون ها اند.

۵. از نگاه سیاسی، امریکا و فرانسه از ائتلاف شمال حمایت میکنند، برتانیه با رهبران طالبان در قندهار در تماس است و آلمان با خلقی ها و حزب اسلامی حکمتیار در قندوز و نواحی آن سر می‌جنباند.

۶. اعضای ناتو از ضعف دولت مرکزی و فساد اداری که باعث کندی در امور میشود شکایت دارند که این حالت فقر و بدبختی را در افغانستان افزایش داده و آنرا زاده روش نادرست و آشننگتن و کابل می‌پندارند.

۷. امریکا از روش تند و خشن در برخورد با مخالفین استفاده میکند، در حالیکه ناتو معتقد به انعطاف پذیری در برخورد با مخالفین است.

۸. اعضای اروپائی ناتو از روش ضد انسانی امریکا در معامله با زندانیان در محابس گواتاناما بی، ابوغریب و بگرام و قندهار شکوه دارند. امریکا نه تنها به انتقاد ناتو وقعی قایل نیست، بلکه همچنان به روش ضد انسانی خود در همین زندانها و سایر زندانهای مخفی در جهان ادامه میدهد.

۹. امریکا بر مجادله در انهدام کامل مواد مخدره اصرار می‌ورزد، اما اعضای اروپائی ناتو در استفاده از عساکر شان در نابودی کشت خشخاش مشکل دارند و معتقد اند که این فعالیت جز ماموریت آنها نیست. اعضای ناتو همچنان معتقد اند که دهقانان برای بقای خود در حال کنونی کدام بدیل دیگری ندارند.

۱۰. امریکا از جنگ سالاران حمایت میکند اما بعضی اعضای اروپائی ناتو با این روش امریکا مخالف اند و آنرا برای ثبات افغانستان مفید نمی‌دانند.

رقابت های امپریالیستی میان کشور های اشغالگر افغانستان، وطن ما را بسوی تباهی میکشاند. اختلافات بین ناتو و امریکا برای بهبودی و خیر و فلاح مردم و کشور ما نیست و نباید هم باشد. تصور اینکه کشور های اشغال کننده افغانستان را از فقر و فلاکت نجات میدهند، يك فکر واهی بیش نیست. وجه نسبتاً انسانی (؟) اعضای اروپائی ناتو نبایست به ترحم طبیعی این کشور ها نسبت به مردم ما تعبیر شود. کشور های اروپائی آینده افغانستان را متفاوت از امریکا می‌بینند و در نهایت میکوشند که به سرنوشت مصیبت بار شوروی گرفتار نگردند. اعضای اروپائی ناتو بخوبی میدانند که پالیسی امریکا در افغانستان و شرق میانه بر مبنای تعصبات ضد اسلامی و انتقام استوار است که در نهایت برای پالیسی سازان امریکا گران تمام خواهد شد. اعضای اروپائی آرزو ندارند که در بد نامی تاریخی امریکا سهیم شوند.

